

نگرش معنوی حافظ



هستی نظر کرده و خطاپوشی کنیم. ۴. حافظ معتقد است، در ما خاطره‌ای ازلی نهاده‌اند؛ و سوسه‌ای مقدس در نهاد ماست که ما را به جانب عشق و خوبی اخلاقی فرامی‌خواند. ۵. به رغم فناپذیری همه چیز، ساختار جهان به گونه‌ای است که به «عشق» و «خیر اخلاقی» بی تفاوت نیست و نقشی که به دست عشق و اخلاق بر

دیوار جهان می‌بندد، پایدار است. ۶. در برابر تقدیر و سرنوشت باید خرسند و پذیرا بود، از منظر هستی‌شناسانه ما اختیار چندانی نداریم؛ اما بهتر است از منظر اخلاقی خود را مختار بدانیم و به رغم آنکه لزوماً کوشش‌های ما به مقصود نمی‌انجامد، چالاک و بیدار بکوشیم. ۷. برای راه‌پردن به ابعاد معنوی جهان لازم است که چشم معنابین و جان‌نگر پیدا کنیم و از حواس دینی و معنوی بهره‌مند شویم؛ چرا که با چشم «جهان‌بین» نمی‌توان به لایه‌های نورانی وجود راه برد. ۸. همه چیز در معرض فساد و بهترین کار، اغتنام فرصت و سرکشیدن اکنون است. ۹. جهان، سراسر جلوه‌ی امر مقدس است، امر مقدس را نباید در جایی بیرون از طبیعت سراغ گرفت. آن خیر برین، همین نزدیکی‌هاست. باید با نظری آکنده از عشق و زیبایی معنا را در همین ظواهر جهان جست‌وجو کرد. آنچه ما را در شکار معنا کامیاب می‌کند، نه بی‌اعتنایی به زیبایی‌های این جهانی، بلکه یافتن چشمی معنابین و جان‌نگر است. ۱۰. باید دعا کرد. استغفار سحر و راز و نیاز شبانه و سوز و گدازهای دل، روزنه‌گشاست. برای ارتباط با جان عالم و یافتن راهی به باطن جهان، ابزار دعا کارساز است. ۱۱. قناعت و خرسندی به آنچه داریم و وارستگی و چشم‌سیری از لوازم معنوی زیستن است؛ ۱۲. مصاحبت پاک‌دلان از شیوه‌های بسیار مؤثر برای یک زندگی معنوی است. ۱۳. به هر شیوه‌ای باید از «خودپرستی» فاصله گرفت. ۱۴. تنها عشق است که ما را رستگار می‌کند. ۱۵. بزرگ‌ترین خطای اخلاقی «ریاکاری» و «مردم‌آزاری» است و بزرگ‌ترین فضیلت اخلاقی «خطاپوشی» و «بخشنده‌گی» است.

گفتنی‌ست، این نشست که در تاریخ ۳۰ آذرماه ۱۳۹۹، به صورت مجازی، با حضور جمعی از دانشگاہیان و اهالی فرهنگ و ادب برگزار شد، با همکاری مدیریت فرهنگی و مرکز پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس ترتیب یافت.

سیددوسی و سومین نشست حافظانه‌ی مرکز حافظ‌شناسی- کرسی پژوهشی حافظ، به موضوع «نگرش معنوی حافظ» اختصاص یافت. صدیق قطبی، نویسنده و پژوهشگر جوان کشور در حوزه‌های علوم انسانی، در این نشست به سخنرانی پرداخت. وی با بیان این مقدمه که شعر حافظ سرشتی متناقض دارد و ما باید وجود معمایی و چندصدایی او را به رسمیت بشناسیم، اذعان داشت: هدف از بیان این مقدمه آن است که بگوییم، هرچاز موضوع نگرش معنوی شعر حافظ سخن گفته می‌شود؛ با عنایت به این موضوع است که سخن متناقض با این نوع نگرش نیز در دیوان حافظ وجود دارد و منظور از بیان نگرش معنوی حافظ این است که این ویژگی‌هایی که مطرح می‌کنیم، متعلق به زمانی است که گویا حافظ ساکن کوی معنویت بوده، درحالی‌که می‌دانیم او همیشه ساکن این کوی نیست.

قطبی افزود: حافظ خود نیز به صراحت به موضوع تناقض در اشعارش در موارد متعدد اشاره می‌کند، مانند آنجا که می‌گوید: حافظم در مجلسی، دردی کشم در محفلی... وی جلوه‌های متناقض شعر حافظ را متأثر از دیدگاه حافظ نسبت به جلوه‌های متنوع خداوند دانست و این چندصدایی حافظ را نشان دهنده‌ی آزادگی او تلقی کرد و به ارائه‌ی شاهد مثال‌هایی در این باب پرداخت. قطبی با اشاره به اینکه درباره‌ی معنویت، برحسب محیط‌های فرهنگی و جغرافیای مختلف تعاریف متفاوتی ارائه شده، بر تعریفی از معنویت که از سوی یکی از معنویت‌پژوهان ارائه شده انگشت نهاد و توضیح داد: برحسب این تعریف، معنویت دست‌کم دارای سه مشخصه‌ی عمده است: ۱. معنویت، به زندگی فرد یک هویت و معنا می‌بخشد و یکپارچگی به او می‌دهد؛ ۲. معنویت تلاشی‌ست برای فراتر رفتن از خودخواهی و دستیابی به حس عشق و دیگر دوستی و ارزش‌های اخلاقی؛ ۳. معنویت باعث می‌شود که با به ظهور رساندن قدرت تخیل، بتوانیم برای تماس با امر آرمیزی آماده شویم.

این حافظ‌پژوه در ادامه‌ی سخنان خود، با عنایت به تعریف معنویت، به بیان ۱۵ ویژگی در رویکرد معنوی حافظ اشاره کرد. به گفته‌ی او ۱. حافظ جهان را منحصر در جهات مادی خود نمی‌داند؛ بلکه به یک امر ازلی و ابدی، رازآلود سرمدی قائل است. ۲. آن امر آرمیز که حافظ به آن امید دارد؛ امری نیست که بتوان به یقین آن را باور کرد؛ درواقع کسی از سربقین محرم راز نمی‌شود. معشوق نقابی افکنده و خود را پنهان کرده است؛ اما باید در برابر حقیقت گشوده بود و در پی هر زمزمه‌ای که ما را به کوی دوست فرامی‌خواند به راه افتاد، شاید همین غیبت خدا و حقیقت است که شوق وصل را در ما می‌نشانند. ۳. بنابر رویکرد معنوی حافظ، در نگاه انسانی ما، جهان خالی از خطا و رخنه نیست؛ اما باید بکوشیم با دیده‌ی زیبایین عشق به

